

## در سی‌امین سالگرد قتل‌عام زندانیان سیاسی

### تجدید پیمان با نسلی که سر داد و سر نداد.

## تنها با سرنگونی انقلابی نظام جنایتکار جمهوری اسلامی

### می‌تواند جامعه‌ی عمل پیوشد!

گیرم که در باورتان به خاک نشسته‌ام  
و ساقه‌های جوانم از ضربه‌های تبرهاتان زخم دار است

با ریشه چه می‌کنید؟

گیرم که بر سر این باغ بنشسته در کمین پرنده‌ای

پرواز را علامت ممنوع می‌زنید

با جوجه‌های نشسته در آشیان چه می‌کنید؟

گیرم که می‌کشید

گیرم که می‌برید

گیرم که می‌زنید

با رویش ناگزیر جوانه‌ها چه می‌کنید؟

شهریار دادور

۳۰ سال گذشت. ۳۰ سال از قتل‌عام هزاران زندانیان سیاسی، در کمتر از ۲ ماه به دست دژخیمان رژیم مرتجع جمهوری اسلامی گذشت.

مردم زخم‌خورده‌ی ایران جنایات دهه‌ی ۶۰ و قتل‌عام تابستان ۶۷ را نه فراموش می‌کنند و نه می‌بخشند. اگرچه حکومت ایران با اعدام و دفن بهترین فرزندان مردم در گورهای بی‌نام‌ونشان دسته‌جمعی، سعی کرد نشانی از وفاداری و پایداری به آرمان جوانانی که برای رفع هرگونه ستم و استثمار جان خود را فدا کردند، باقی نگذارد. اگرچه در سال‌ها و ماه‌های اخیر در یک حرکت سیستماتیک و سراسری در بسیاری از شهرها، همان گورهای بی‌نام‌ونشان را هم تخریب و گودبرداری کرده و با ساخت‌وسازهای متفاوت سعی دارد صورت مسئله جنایاتش را پاک کند، ولی یاد و خاطره آنان همواره تصویر، الگو و انگیزه‌ای برای تداوم مبارزه‌ی اقشار و طبقات مختلف، علیه آمران و عاملان این جنایات برای دستیابی به حقیقت بوده و خواهد بود.

بخش بزرگی از زندانیان سیاسی را زنان تشکیل می‌دادند. زنانی که در خیزش‌های توده‌ای برای سرنگونی رژیم شاه و برای ساختن جامعه‌ی نوینی که در آن زنان و مردان آزاد و برابر بوده و از ستم و استثمار رها باشند مبارزه کردند. زنانی که در برابر فرمان ارتجاعی حجاب اجباری خمینی و کل رژیم تئوکراتیک تازه به قدرت رسیده، قد علم کردند و با سازمان‌دهی بزرگ‌ترین تظاهرات زنان در تاریخ ایران در ۸ مارس ۱۳۵۷ علیه فرمان حجاب اجباری نشان دادند که سر تسلیم ندارند. بسیاری از این زنان به زندان افتادند و در زیر شدیدترین شکنجه‌های قرون‌وسطایی قرار گرفتند و با فدا کردن جان خود حاضر نشدند حجاب این سمبل اسارت زنان را بر سر کنند. آنان با ایستاده‌گی در برابر شکنجه و شلاق و تابوت و قپانی، در برابر آزار جنسی و تجاوز و... به‌زانو در نیامدند و در اثر این مقاومت‌ها بود که رژیم نتوانست الگوی زن مسلمان را برای زندان بزرگ‌تر نمونه‌سازی کند. ولی همان‌گونه که زنان زندانی سیاسی در زندان‌ها در جنگی نابرابر قهرمانانه جنگیدند، زنان در زندان بزرگ جامعه هم مرعوب نشدند و در طول چهل سال به اشکال مختلف علیه ستم بر خود که در مرکز آن حجاب اجباری قرار دارد، مبارزه کردند.

طی این چهل سال، حضور جسورانه و پرفدردت زنان همچون در مبارزات گوناگون، خیزش ۸۸، خیزش دی‌ماه ۹۶، خیزش مردادماه و ... چنان مشهود است که حتا بلندگوهای امپریالیستی نیز به آن اذعان دارند. حضور و تکثیر دختران خیابان انقلاب که حجاب، این سمبل انقیاد را از سر برگرفتند و از آن پرچمی برای رویارویی با نظام زن‌ستیز جمهوری اسلامی ساختند، هم چون رعد آسمان اقتدار ایدئولوژیک - سیاسی جمهوری اسلامی را به لرزه در آورد و آنان را به تکاپو انداخت که تلاش کنند با دستگیری و زندان و بستن مجازات‌های سنگین به این زنان شورشگر، از تکثیر و توده‌ای شدن این مبارزه‌ی جلوگیری کنند.

خیزش و مبارزات کارگران، دانشجویان، زنان، معلمان، پرستاران، کامیون‌داران، اقلیت‌های ملی و مذهبی و عقیدتی علیه رژیم جمهوری اسلامی به‌عنوان عامل اصلی فقر و فلاکت، بی‌آینده‌گی جوانان، افزایش غیرقابل‌تصور تن‌فروشی و اعتیاد، کارتن‌خوابی، گورخوابی، نابودی محیط‌زیست، بی‌آبی، فروش اعضای بدن، فروش نوزادان و اجاره‌ی رحم و ... باعث شده است که بیش از هر زمان دیگر مشروعیت این رژیم سرکوبگر چنان ضربه بخورد که برای بقای عمر ننگین خود، یک‌بار دیگر به‌طور وسیع دستگاه سرکوبگر خود را برای زندانی کردن، شکنجه و اعدام به کار گیرد تا بتواند بار دیگر به امپریالیست‌ها خصوصاً به رژیم فاشیستی ترامپ پیام دهد که می‌تواند هم چون دهه‌ی شصت با کشتار یک نسل از انقلابیون به حاکمیت خود ادامه دهد؛ اما خوب می‌دانند خشم و انزجار مردم از حاکمیت چهل‌ساله‌ی یک رژیم

سرمایه‌داری تئوکراتیک چنان فشرده و عمیق و گسترده شده است که دیگر نمی‌توانند مردم را مرعوب کنند. مبارزات جسورانه‌ی زنان در مقابل مزدوران رژیم و زیر پا گذاشتن بی‌محابای خط قرمزها که همه‌روزه در گزارشات و ویدئوهای مختلف در سطح شهرهای کوچک و بزرگ انتشار می‌یابد، جهش فزنی را نشان می‌دهد که رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی سال‌ها تلاش کرده است که آن را فشرده نگاه دارد.

خیزش دی‌ماه، در ادامه‌ی مبارزات و خیزش مردادماه نشان می‌دهد که مردم به درجات بالایی توهمی نسبت به جناح‌های مختلف رژیم ندارند و به‌درستی نوک پیکان مبارزه‌شان را علیه رژیم با سر دادن شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا!» پیش گذاشتند. به خاطر نبود آلت‌رناتیو انقلابی اما بخشی از مردم با سر دادن شعارهای انحرافی در حمایت از سردمداران ارتجاعی رژیم شاه و امپریالیست‌ها، توهمی را که تحت تأثیر تبلیغات مسموم رسانه‌ها و مدیای وابسته به امپریالیست‌های فارسی‌زبان نسبت به این مرتجعین پیدا کرده‌اند، هویدا ساختند؛ اما باید بر این حقیقت پافشاری کرد که جنایات رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند و نباید خاکستر فراموشی بر روی عملکرد دستگاه عریض و طویل امنیتی شاه بی‌اشد. پایه دستگاه اطلاعاتی/امنیتی جمهوری اسلامی همان ساواک و شبکه‌ی عریض و طویل امنیتی رژیم شاه است که پیش از انقلاب، جوانان معترض و انقلابی را به جرم مخالفت با رژیم شاه، راهی اتاق‌های شکنجه و جوخه‌های اعدام می‌کردند. به یاد داشته باشیم که چهل سال پیش رژیم جمهوری اسلامی بر همان دولتی تکیه کرد که از رژیم شاه به ارث برده بود و آن را برای به بند کشیدن زنان، کارگران، زحمتکش‌ان و کلیه‌ی اقشار و طبقات مردم به کار گرفت. قرار نیست که یک‌بار دیگر حاصل مبارزات و جان‌فشانی مردم به جیب امپریالیست‌ها و آلت‌رناتیوهای ارتجاعی آنان بریزد. همان‌گونه که همواره گفتیم و نوشتیم حاصل «انتخاب» بین بد و بدتر زندگی میلیون‌ها نفر از توده‌ها را به تباہی می‌کشاند و کشاند.

دولت‌های امپریالیستی هم از کشتار عظیم زندانیان سیاسی در دهه‌ی ۶۰ و قتل‌عام ۶۷ با سکوت معنی‌دار خود، حمایت کردند. حال بعد از گذشت سال‌ها، با افشای این جنایت توسط خانواده‌های جان‌باختگان، زندانیان جان به در برده، سازمان‌ها و احزاب مبارز، در چند سال اخیر امپریالیست‌ها از طریق بنگاه‌های تبلیغی‌شان هم چون بی‌بی‌سی، من و تو، صدای آمریکا و... درباره‌ی کشتار دهه‌ی شصت و تابستان خونین ۶۷ «اطلاع‌رسانی» می‌کنند و می‌خواهند با طرح گوشه‌ای از این جنایت فراموش‌نشده‌ی و نابخشیدنی آن را مصادره به مطلوب کرده و با ژست‌های «دفاع از حقوق بشر»، در چانه‌زنی‌های سیاسی بر سر منافع خود، از آن به‌عنوان اهرم فشار بر روی رژیم جمهوری اسلامی استفاده کنند. تضادها و نزدیکی‌های امپریالیسم جهانی با حکومت ایران، هیچ ربطی به منافع توده‌های ستمدیده ندارد و نباید بگذاریم که حاصل مبارزات مردم و حاصل فداکاری‌های مردم در خدمت تأمین منافع این یا آن قدرت امپریالیستی و آلت‌رناتیوهای ارتجاعی آنان در ایران قرار گیرد.

ما فعالین «کارزار مبارزه علیه خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی بر زنان در ایران»، یاد و خاطره‌ی جان‌باختگان زندانی سیاسی دهه‌ی ۶۰ و تابستان ۶۷ را گرامی می‌داریم و خود را در مبارزه برای ساختن جامعه‌ی نوین سهیم می‌دانیم. ما با ادامه‌ی افشای این جنایت در افکار عمومی، با مبارزه برای آزادی زندانیان در بند که با درهم شکستن درهای زندان امکان‌پذیر می‌شود، به مبارزه‌ی خود ادامه می‌دهیم. ما پیمان خود را با تمامی جان‌باختگان در راه رهایی مردم از ستم و استثمار، تجدید کرده و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را اولین گام برای ساختن جامعه‌ای می‌دانیم که در آن هیچ انسانی برای بیان عقاید خود زندان و مجازات نشود.

کارزار مبارزه علیه خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی بر زنان در ایران

سپتامبر ۲۰۱۸

[karzar.zanan.2016@gmail.com](mailto:karzar.zanan.2016@gmail.com)

[www.kaarzaar.com](http://www.kaarzaar.com)

[www.facebook.com/kaarzaar](https://www.facebook.com/kaarzaar)

[www.twitter.com/kaarzaar](https://www.twitter.com/kaarzaar)

<https://t.me/kaarzaar>

**فراخوان به آکسیون‌های سراسری فعالین کارزار  
در کشورهای سوئد، آلمان، انگلستان، هلند و بلژیک  
روز شنبه ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۸**

**فراخوان به بحث و گفتگوی آنلاین:**

**به مناسبت سی‌امین سالگرد قتل‌عام زندانیان سیاسی**

**زمان: یکشنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۸ ساعت ۱۹:۰۰ به وقت اروپای مرکزی**

**مکان: اتاق پالتاک** [kaarzaar zanan iran](http://kaarzaar.zanan.iran)

**Middle East – Iran**

**فعالین کارزار از حضور فعال شما پیشاپیش سپاس‌گزارند.**